آیت الله العظمی مکارم شیرازی



بسم الله الرحمن الرحیم

مسئله انتظار

نویسنده:

آیت الله العظمی ناصرمکارم شیرازی

ناشر چاپی:

نسل جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مسئله انتظار

مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

عنوان و نام پدیدآور : مسئله انتظار/ مکارم شیرازی.

مشخصات نشر : قم: نسل جوان، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۶۴ ص.؛ ۱۲ × ۱۷ س م.

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۶۲۷۵-۴۶-۱ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ قبلی: هدف، [۱۳××]([۶۱] ص).

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : مهدویت-- انتظار

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/م۷۲۵م۵ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۲۵۷۷۱

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

در انتظار مصلحی بزرگ

اشاره

همه مسلمانان - بدون استثنا - در انتظار ظهور مصلحی بزرگ به سر می برند، این مصلح بزرگ دارای این ویژگیهاست :

۱- جهان انسانیت را به سوی صلح و عدالت رهبری می کند و بساط ظلم و فساد و خونریزی را برمی چیند.

۲- مساوات و برادری را در میان عموم ملتها و نژادها تعمیم می دهد.

۳- نور ایمان و اخلاق و صمیمیت و محبت را در همه جا می پاشد.

۴- یک جهش بزرگ علمی و فرهنگی برپا می سازد.

۵- دنیای انسانی را وارد مرحله نوینی از حیات خود می کند.

۶- به هرگونه اسارت و بردگی و استثمار پایان می دهد.

۷- و نام او «مهدی» است و از فرزندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشد.

هدف از بحثی که در این رساله می خوانید این نیست که مسائل فوق را یک به یک اثبات کنیم، چه اینکه، اینها موضوع بحثهای جداگانه ای هستند، بلکه هدف اصلی این است که اثرات و پی آمدهای چنین ظهوری را بررسی کنیم و«منتظران راستین» را از «منتظران دروغین» بازشناسیم، و ببینیم این انتظار که در روایات اسلامی به عنوان یکی از بزرگترین عبادات شمرده شده چه فلسفه ای می تواند داشته باشد؟

داوریهای حساب نشده

-- آیا فکر ظهور یک مصلح جهانی واکنش شکستها و ناکامیهاست؟

-- آیا این فکر در محیطهای اسلامی یک «فکر وارداتی» است یا اینکه به عکس ریشه ای در نهاد آدمی دارد و از عشق به تکامل سرچشمه می گیرد؟

-- آیا وجود یک عشق در نهاد انسان دلیل بر این نیست که

معشوقی وجود دارد؟

بـا اینکه جمعی از خاورشـناسان، اصـرار دارنـد ایمـان به وجـود یـک مصـلح بزرگ جهـانی را «واکنشـی» از وضع نـابه سامـان مسلمانان در دورانهای تاریک تاریخ بدانند؛

و با اینکه جمعی از پژوهشگران شرقی و اسلامی که تحت تأثیر افکار غربیها قرار دارند به این طرز تفکر دامن می زنند، و حتی اصـرار دارند که ایمان به وجود «مهدی» و مصـلح جهانی را یک «فکر وارداتی» تلقی کنند که از عقاید یهود و مسیحیان گرفته شده؛

و با اینکه جمعی از جامعه شـناسان ماتریالیست می کوشـند که از مسـئله انتظار ظهور مهـدی، دلیلی بر عقیده خود ترتیب دهند که این عقیده یک ریشه اقتصادی دارد و برای تخدیر افکار «توده های به زنجیر استعمار کشیده» ساخته و پرداخته شده است؛

با تمام این گفتگوها، بایـد توجه داشت که اعتقاد به چنین ظهوری یک ریشه فطری در همه نهادها دارد که در اعماق عواطف انسان نفوذ کرده است، و یک ریشه اصیل اسلامی

که در منابع مهمّ اسلامی دیده می شود.

ولی شاید مطالعات محدود این پژوهشگران از یک سو، علاقه به «توجیه مادی» برای هرگونه فکر و عقیده مذهبی از سوی دیگر، اینگونه افکار را به وجود آورده است.

جالب اینکه جستجوگرانی از غرب، همچون «مارگلی یوت» به انکار احادیث اسلامی پیرامون مهدی برخاسته و می گوید :

این احادیث را هرگونه تفسیر کنند، دلیل قانع کننده ای در دست نیست که تصور کنیم پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله ظهور یک مهدی را برای احیاء، تحقق، اکمال و تقویت اسلام لازم و حتمی شمرده باشد؛ لیکن درگیری آتش جنگهای داخلی، درمیان یک نسل واحد، پس از وفات پیغمبر صلی الله علیه و آله و درهمی و آشفتگی جهان اسلام که بر اثر اختلاف آنان با یکدیگر روی داد، موجب اقتباس فکر ظهور «منجی» از یهود یا مسیحیان گردید، که به ترتیب در انتظار ظهور و بازگشت «مسیح» به سر می برند. (۱)

۱- . دیباچه ای بر رهبری، صفحه ۲۰۱.

نمی دانیم «مارگلی یوت» چه کتابهایی از منابع اسلامی را در این زمینه دیده و چگونه در تفسیر آنها چیزی که او را قانع کند نیافته است، در حالی که در مهمترین منابع «شیعه» و «اهل تسنن» در باره این ظهور احادیث صریحی وجود دارد، و این احادیث در سرحدّ تواتر است.

چگونه همه دانشمندان و محققان اسلامی تقریباً بدون استثناء (جز افراد بسیار نادری همچون ابن خلدون که در مقدمه تاریخ خود در احادیث مهدی تردید کرده) شکی در صدور این احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله ندارند و تنها گفتگوها پیرامون شاخ و برگها و مسائل فرعی آن است، ولی تنها «مارگلی» نتوانسته قانع شود؟

این سؤالی است که خود او باید پاسخ آن را بدهد.

***

در این میان عده دیگری می گویند :

ما کار به عمل و انگیزه های این انتظار عمومی نداریم، ما پی آمدهای آن را می نگریم که سبب تحمل دردها و شکیبایی در برابر نابسامانی ها و تن در دادن به مظالم و

ستمها، و فرار از زیر بار مسئولیتهاست.

مـا به این می نگریم که این انتظـار، توده هـای رنـج دیـده را در یـک عـالم رؤیـایی فرو می برد و از آنچه در اطراف آنهـا می گذرد غافل می سازد، و آنها را به تنبلی و فرار از تعهدهای اجتماعی تشویق می کند.

و بـه عبـارت دیگر، از نظر فردی عـاملی است برای رکـود و توقـف، و از نظر اجتمـاعی وسـیله ای است برای خـاموش سـاختن جنبشهای ضد استعماری، و به هر صورت اثر منفی آن آشکار است!

تحقیق و بررسی

ولی به عقیـده مـا یک پژوهشـگر آگاه که نمی خواهـد از دور قضاوت کنـد، بلکه خود را موظف می بینـد که از نزدیک همه مسائل مربوط به «انگیزه ها» و «نتیجه ها» را بنگرد، نمی تواند تنها به این داوریهای حساب نشده قانع شود.

اکنون اجازه دهید بیطرفانه انگیزه های انتظار و نتایج و پی آمدهای آن را یک یک مورد بررسی قرار دهیم و ببینیم

عامل پیدایش آن، شکستهاست و یا یک سلسله از واقعیتهای فطری وعقلانی است و نتایج آن سازنده و مثبت است، یا منفی و نامطلوب؟

انتظار در اعماق سرشت آدمی

برخلاف گفته های کسانی که فکر می کنند بذر اصلی انتظار ظهور یک مصلح بزرگ را شکستها و ناکامیها و نابسامانیها در سطح افکار می پاشد، عشق به این موضوع مربوط به اعماق وجود آدمی است، گاهی به گونه پر رنگ، و گاهی کم رنگ.

به تعبیر دیگر :

انسان از دو راه - از راه عاطفه، و از راه خرد - سرانجام در برابر چنین مسئله ای قرار می گیرد و سروش این ظهور را با دو زبان «فطرت» و «عقل» می شنود.

و به عبارت روشن تر :

ایمان به ظهور مصلح جهانی جزئی از «عشق به آگاهی» و «عشق به زیبایی» و «عشق به نیکی» (سه بعد از ابعاد

چهارگانه روح انسان) است که بدون چنان ظهوری این عشقها به ناکامی می گراید و به شکست محکوم می شود.

شاید این سخن نیاز به توضیح بیشتری داشته باشد و آن اینکه :

می دانیم «عشق به تکامل» شعله جاویدانی است که سراسر وجود انسان را در بر گرفته، او می خواهد بیشتر بداند؛ بیشتر از زیباییها ببیند؛ بیشتر از نیکیها بهره ببرد و خلاصه آنچه مایه پیشرفت و برتری می داند بیشتر فراهم سازد.

هیچگاه پیدایش این انگیزه ها را نمی توان با عوامل اجتماعی، و روانی، و وراثت، و تربیت، پیوند داد، گرچه این عوامل در تضعیف یا دامن زدن به آنها سهم مهمی دارند، ولی اصل وجود آنها، جزء بافت روان انسانهاست وجزء ابعاد اصلی روح او، به دلیل اینکه هیچ جامعه و هیچ ملتی هرگز از این انگیزه ها تهی نبوده است.

خلاصه، علاقه انسان به پیشرفت و تکامل، به دانایی و زیبایی، به نیکی و عدالت، علاقه ای است، اصیل، همیشگی

و جاودانی، و انتظار ظهور یک مصلح بزرگ جهانی آخرین نقطه اوج این علاقه است (دقت کنید).

چگونه ممکن است عشق به تکامل همه جانبه در درون جان انسان باشد و چنان انتظاری نداشته باشد! مگر پیاده شدن تکامل جامعه انسانی بدون آن امکان پذیر است!

بنابراین، حتی کسانی که در زندگانی گرفتار شکست و بحرانی نبوده اند چنین احساسی را در درون جان خود دارند... این از یک سو؛

از سوی دیگر، همانطور که اعضای پیکر انسان به تکامل و پیشرفت وجود او کمک می کنند و عضوی در بدن نمی یابیم که مطلقاً نقشی در این حرکت تکاملی نداشته باشد، خصایص روانی انسان نیز چنین اند، یعنی هرکدام نقش مؤثری در پیشرفت هدفهای اصیل او دارند.

مثلاً، «ترس از عوامل خطرناک» که در هر انسانی وجود دارد سپری است برای حفظ او در برابر خطر.

«خشم» به هنگامی که انسان منافع خود را در معرض تهدید می بیند وسیله ای است برای افزایش قدرت دفاعی و

بسیج تمام نیروهای ذخیره جسمی و روحی برای نجات منافعش از خطر؛

بنـابراین، عشـق بـه تکامـل، عشـق به صـلح و عـدالت، نیز وسـیله ای است برای رسـیدن به این هـدف بزرگ و به منزله موتـور نیرومنـدی است که چرخهـای وجـود انسـان را در این راه به حرکت دائمی وامی دارد، و او را برای رسـیدن به جهـانی مملو از صلح و عدالت کمک می کند.

از سوی دیگر، احساسـات و دسـتگاههایی که در جسم و جـان وجود دارد نمی توانـد هماهنگ با مجموعه عالم هستی نباشـد، زیرا همه جهان هستی یک واحد به هم پیوسته است، و وجود ما نمی تواند از بقیه جهان جدا باشد.

از این بهم پیوسـتگی بخوبی می توانیم نتیجه گیری کنیم که هر عشق و علاـقه اصـیلی در وجود مـا هست دلیل بر آن است که «معشوق» و «هدف» آن نیز در جهان وجود دارد و این عشق وسیله ای است که ما را به او نزدیک می سازد.

یعنی اگر تشنه می شویم و عشق به آب داریم دلیل بر آن است که «آبی» وجود دارد که دستگاه آفرینش تشنگی آن را

در وجود ما قرار داده است.

اگر علاقه ای به جنس مخالف داریم دلیل بر وجود جنسی مخالف در بیرون ماست؛ و اگر عشق به زیبایی و دانایی داریم دلیل بر این است که زیباییها و داناییهایی در جهان هستی وجود دارد.

و از اینجا به آسانی نتیجه می گیریم که اگر انسانها انتظار مصلح بزرگی را می کشند که جهان را پر از صلح و عدالت و نیکی و داد کند، دلیل بر آن است که چنان نقطه اوجی در تکامل جامعه انسانی امکان پذیر و عملی است که عشق و انتظارش در درون جان ماست.

عمومیت این اعتقاد در همه مذاهب نیز نشانه دیگری بر اصالت و واقعیت آن است؛ زیرا چیزی که زاییده شرایط خاص و محدودی است نمی تواند اینچنین عمومی باشد، تنها مسائل فطری هستند که از چنین عمومیتی برخوردارند، و اینها همه نشانه آن است که از زبان عواطف و سرشت آدمی این نغمه در جان او سر داده شده که سرانجام مصلحی بزرگ جهان را در زیر پرچم صلح و عدالت قرار خواهد داد.

ظهور مصلح بزرگ در منابع اسلامی

اشاره

گفتیم که مسئله انتظار ظهور یک حکومت بزرگ جهانی که صلح و امنیت و آرامش و عدالت و پاکی را در همه دنیا گسترش دهد، عکس العمل عوامل سخت اجتماعی و ناکامیها نیست، بلکه ریشه عمیقی در اصیل ترین ابعاد روح انسانی دارد؛ و به تعبیر دیگر، این انتظار از درون فطرت و روان آدمی می جوشد و از ذات انسان سرچشمه می گیرد، و دلیل خود را در این زمینه بازگو کردیم.

اکنون موقع بررسی این مسئله است که آیا اعتقاد به چنین ظهوری یک فکر وارداتی است که از عقاید اقوام دیگر مایه گرفته و به محیطهای اسلامی نفوذ کرده است، یا یک واقعیت

تاریخی است که همانند سایر تعلیمات اصیل اسلامی از شخص پیامبر گرفته شده است؟

آیا پاسخ این سؤال را باید از مستشرقانی - که به اصطلاح اگر بخواهیم اعمالشان را حمل بر صحت کنیم و آنها را متعصب و مغرض ندایم، لااقل باید بگوییم اطلاعات آنها در زمینه مسائل اسلامی (غالباً) بسیار سطحی و نارسا است - بشنویم؟

بدبختی اینجا است که پیروان یک مکتب برای شناخت مکتب خود دست به دامان کارشناسان خارجی شوند - وآنچه خود دارند از بیگانه تمنا کنند و از گمشدگان لب دریا، سراغ گوهرهایی را گیرند که صدفش از دسترس آنها بیرون است!

به کمک طلبیدن «گیورگیو» دانشمند اروپایی برای از نوشناختن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و «جرج جرداق مسیحی لبنانی»، برای شناخت مکتب انسان ساز علی علیه السلام، و «سلیمان کتانی مسیحی» برای شناسایی بانوی نمونه اسلام فاطمه زهرا علیها السلام دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله، مانند استمداد از «مارگلی یوت» برای فهم مسائل مربوط به «مهدی علیه السلام» همه یک نوع انحراف از مسیر صحیح تحقیق، و زمینه چینی و کوشش

برای «اسلام وارداتی» است.

نمی گوییم بایـد آنقدر خشک بود که نقل قول مستشـرقان را (حتی به منظور تأیید)، کفر و ضـلالت پنداشت، بلکه می گوییم نباید آنقدر غرب زده بود که اساس و پایه شناخت عقاید و تعلیمات اسلامی را بر گفته های دگران گذارد.

اگر ما در مسائل مربوط به تکنولوژی از کارشـناسان آنها - متأسـفانه - کمک می گیریم دلیل این نیست که در شـناخت آنچه مربوط به ما و مخصوص ماست نیز از آنها مدد بخواهیم.

به ویژه اینکه می بینیم اسـلام شناسـی آنها - مانند همه چیز دیگرشان که تنها با معیارهای مادی سـنجیده می شود - سر از یک «اسـلام ماتریالیستی» بیرون خواهـد آورد که ارزش اصول و فروع آن تنها در چهارچوب معیارهای مادی و زنـدگی اقتصادی و پیوندهای آب و نان اجتماعی دور خواهد زد؛ اسـلامی مسخ شده و رنگ باخته و واژگونه؛ اسلامی تنها در خدمت آب و نان، چونان که مقلدین بی قید و شرط آنها نیز تبلیغ می کنند.

***

به هر حال، مطالعه متون معروف اسلامی نشان می دهد که امید و انتظار صلح و عدالت جهانی در پرتو قیام یک مرد انقلابی - با برنامه ها و بینش های انقلابی - چیزی است که در متن تعلیمات پیامبر اسلام قرار داشته است.

روایات مربوط به قیام مهدی علیه السلام چنان است که هیچ محقق اسلامی، پیرو هر یک از گروهها و مذاهب اسلامی باشد نمی تواند «تواتر» آن را انکار کند.

تا کنون کتابهای زیادی از طرف دانشمندان شیعه و اهل تسنن در این زمینه نوشته شده و نویسندگان آنها متفقاً صحت احادیث مربوط به مصلح جهانی یعنی «مهدی» را پذیرفته اند، تنها افراد بسیار معدودی مانند «ابن خلدون» و «احمد امین مصری» در صدور این اخبار از پیامبر صلی الله علیه و آله تردید کرده اند، وقرائنی در دست داریم که انگیزه آنها در این کار ضعف اخبار نبوده بلکه فکر می کردند روایات مربوط به «مهدی» مشتمل بر مسائلی است که به سادگی نمی توان آنها را باور کرد، یا به خاطر اینکه احادیث درست از نادرست را نتوانسته اند جدا کنند یا تفسیر احادیث را به درستی درنیافته اند.

در هر صـورت، لازم است قبـل از هر چیز سؤال و جوابی را که از طرف «رابطه العـالم الاسـلامی» - که زیر نفوذ افراطی ترین جناحهـای اسـلامی (یعنی وهابیـان) قرار دارد - نشـر یـافته، از نظر خواننـدگان عزیز بگـذرانیم تا روشن شود مسئله انتظار یک مصلح بزرگ در میان مسلمانان، قولی است که جملگی برآننـد و به عقیـده ما مدارک لازم در این رساله کوتاه آنچنان جمع آوری شده که هیچکس را یارای انکار آن نیست و اگر وهابیان سختگیر در برابر آن تسلیم شده اند نیز به همین دلیل است (ما نخست ترجمه قسمت حساس این رساله را نقل کرده، سپس تمام متن عربی آن را برای آنها که می خواهند مطالعه بیشتر کنند می آوریم).

مدارک زنده بر ظهور مهدی علیه السلام

مدّتی قبل شخصی به نام «ابومحمد» از «کنیا» سؤالی در باره ظهور «مهدی منتظر» از «رابطه العالم الاسلامی» - که از متنفذترین مراکز مذهبی حجاز و مکه است - کرده است.

دبیر کل «رابطه» محمد صالح القزاز، در پاسخی که برای

او فرستاده است ضمن تصریح به اینکه «ابن تیمیه» مؤسس مذهب وهابیان نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی را پذیرفته، متن رساله کوتاهی را که پنج تن از علمای معروف حجاز در این زمینه تهیه کرده اند، برای او ارسال داشته است.

***

در این رساله پس از ذکر نام حضرت «مهدی» و «محل ظهور او» یعنی مکه، چنین می خوانیم :

«... به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم، خداوند به وسیله او (مهدی) جهان را پر از عدل و داد می کند همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است...

او آخرین «خلفای راشدین دوازده گانه» است که پیامبر صلی الله علیه و آله خبر از آنها در کتب صحاح داده است.

احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند، از جمله :

عثمان بن عفان؛ علی بن ابی طالب؛ طلحه بن عبیداللّه عبدالرحمان بن عوف؛ عبداللّه بن عباس؛ عمار یاسر؛ عبدالله بن مسعود؛ ابوسعید خدری؛ ثوبان؛ قره بن اساس مزنی؛ عبدالله بن حارث؛ ابوهریره؛ حذیفه بن یمان؛

جابربن عبداللّه؛ ابوامامه؛ جابربن ماجد؛ عبدالله بن عمر؛ انس بن مالك؛ عمران بن حصين؛ و ام سلمه.

اینها بیست نفر از کسانی هستند که روایات مهدی را نقل کرده اند و غیر از آنها افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند.

سخنان فراوانی نیز از خود صحابه نقل شده که در آن بحث از ظهور مهدی شده که آنها را نیز می توان در ردیف روایات پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد؛ زیرا این مسئله، از مسائلی نیست که با اجتهاد بتوان چیزی پیرامون آن گفت (بنابراین آنها نیز مطلب را از پیامبر شنیده اند).

سپس اضافه می کند :

هم احادیث بالا که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده و هم شهادت و گواهی صحابه که در اینجا در حکم حدیث است، در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله اعم از «سنن» و «معاجم» و «مسانید» آمده است از جمله :

سنن ابوداود؛ سنن ترمذی؛ ابن ماجه؛ ابن عمرالدانی؛ مسند احمد؛ وابن یعلی؛ و بزاز؛ و صحیح حاکم و معاجم طبرانی (کبیر و متوسط) و رویانی؛ و دار قطنی و ابونعیم

در اخبار المهدی؛ و خطیب در تاریخ بغداد؛ و ابن عساکر در تاریخ دمشق و غیر اینها.

بعد اضافه می کند :

بعضی از دانشمندان اسلامی در این زمینه کتابهای مخصوصی تألیف کرده اند از جمله :

ابونعیم در «اخبار المهدی» ؛ ابن حجر هیثمی در «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» ؛ شوکانی در «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر والدجال والمسیح»؛ ادریس عراقی مغربی در «المهدی» ؛ ابوالعباس بن عبدالمؤمن المغربی در کتاب «الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون» ؛ و آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته مدیر دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره مجله دانشگاه مزبور بحث کرده است.

عده ای از بزرگان و دانشمندان اسلام از قدیم و جدید نیز در نوشته های خود تصریح کرده اند که احادیث در زمینه مهدی در سرحدّ تواتر است (و به هیچ وجه قابل انکار نیست) از جمله :

السخاوی در کتاب «فتح المغیث» ؛ محمد بن احمد السفاوینی در «شرح العقیده» ؛ ابوالحسن الابری در

«مناقب الشافعی» ؛ ابن تیمیه در کتاب فتاوایش؛ سیوطی در «الحاوی» ؛ ادریس عراقی در تألیفی که در زمینه «مهدی» دارد؛ شوکانی در کتاب «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر..» ؛ محمد جعفر کنانی در «نظم المتناثر»؛ ابوالعباس بن عبدالمؤمن در «الوهم المکنون...»

در پایان بحث می گوید :

(تنها) ابن خلدون است که خواسته احادیث مربوط به مهدی را با حدیث بی اساس و مجعولی که می گوید «لامهدی الّا عیسی؛ مهدی جز عیسی نیست» مورد ایراد قرار دهد، ولی بزرگان پیشوایان و دانشمندان اسلام گفتار او را رد کرده اند، بخصوص «ابن عبدالمؤمن» که در رد گفتار او کتاب ویژه ای نوشته است که از ۳۰ سال قبل در شرق و غرب انتشار یافته.

حفاظ احادیث و بزرگان دانشمندان حدیث نیز تصریح کرده اند که احادیث مهدی مشتمل بر احادیث «صحیح» و «حسن» است و مجموع آن متواتر می باشد.

بنابراین، اعتقاد به ظهور مهدی (بر هر مسلمانی) واجب است و این جزء عقاید اهل سنت و جماعت محسوب می شود و جز افراد نادان و بیخبر یا بدعتگذار آن را انکار نمی کنند.

به عقیده ما بحث فوق آنچنان روشن است که نیاز به هیچ گونه توضیح اضافی ندارد؛ با این حال آیا آنها که می گویند عقیده به ظهور مهدی یک فکر وارداتی است در اشتباه بزرگی نیستند!

اینک متن اصلی نامه

در اینجـا متـن عربی پاسـخی کـه «رئیس رابطـه» زیر نظر جمعی از علمـای معروف حجاز تهیـه و ارسـال داشـته است از نظر خوانندگان محترم می گذرانیم.

واین همان است که ترجمه قسمت حساس آن را قبلاً بدون کم و کاست از نظر گذراندیم.

تنهـا نکته ای که یـادآوری آن در اینجا لازم است این می باشـد که «تفاوت مهمی» که این نوشـته با عقایـد پیروان مکتب اهل بیت علیهم السـلام دارد این است که آنها نام پدر حضـرت مهدی علیه السـلام را «عبداللّه» ذکر کرده اند در حالی که در کتب شیعه نام پدر بزرگوارش بطور مسلم «الامام الحسن العسکری علیه السلام» است وسرچشمه این اختلاف آن است که در

بعضـی از روایات اهل سـنت جمله «اسم ابیه اسم ابی» (اسم پـدرش اسم پـدر من است) آمده در حالی که قرائن نشان می دهد کـه ایـن جملـه در اصـل «اسـم ابیه اسم ابنی» (اسم پـدرش اسم فرزنـد من است) بـوده، و بر اثر اشـتباه در نقطه گـذاری به این صورت درآمـده است (این احتمـال را کنجی شـافعی نیز در کتـاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» تأییـد کرده است) و در هر حال آن جمله قابل اعتماد نیست زیرا :

اوّلاً – در اکثر روایات اهل سنت این جمله وجود ندارد.

ثانیاً – در روایت معروف ابن ابی لیلی می خوانیم :

«اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابنی».

ثالثاً – روایات متواتر از طرق اهل بیت علیهم السلام گواهی می دهد که نام پدرش «حسن» است .

رابعاً – در بعضی از روایات اهل سنت نیز تصریح شده که او فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است.

(برای توضیح بیشتر در این زمینه به کتاب «منتخب الاثر» صفحات ۲۳۱ تا ۲۳۶ باب ۱۱ و کتاب «نورالابصار» مراجعه فرمایید).

***

رابطه العالم الاسلامی

الامانه العامه

الکرم ابو محمد – المحترم (کنیا)

السـلام علیکم و رحمه الله وبرکاته – اشاره الی خطابکم (المورخ فی ۲۱ یوما ۱۹۷۶ م المتضـمن عن موعد ظهور المهدی و فی ای مکان یقیم؟

نفیدکم باننا نوفر لکم مع خطابنا الیکم ما جاء من الفتوی فی مسأله المهدی المنتظر و قد قام بکتابته فضیله الشیخ محمد المنتصر الکنانی واقرته اللجنه المکونه من اصـحاب الفضـیله الشـیخ صالح بن عثیین و فصـیله الشـیخ احمد محمد جمال و فضـیله الشـیح احمد علی و فضیله الشیخ عبدالّله خیاط .

وقد دعم الفتوی بما ورد من احادیث المهدی عن الرسول صلی الله علیه و سلم و ما ذکره ابن تیمیه فی المنهاج بصحه الاعتقاد و ابن القیم فی المنـار و ان شاءالله تعالی سـتجدون فی الکتابه مطلبکم و ما یغنیکم عن مسأله المهـدی انتم و من کان علی نهجکم آملین لکم التوفیق والسداد.

الامین العام

محمد صالح القزاز

بعد التحيه

جوابا عما يسأل عنه المسلم الكينى فى شأن المهدى المنتظر عن موعد ظهوره و عن المكان الذى يظهر منه و عن ما يطمئنه عن المهدى عليه السلام.

هو محمد بن عبداللّه الحسنى العولى الفاطمى المهدى الموعود المنتظر موعد خروجه فى آخر الزمان و هو من علامات الساعه الكبرى يخرج من المغرب و يبايع له فى الحجاز فى مكه المكرمه بين الركن والمقام - بين باب الكعبه المشرفه والحجر الاسود عند الملتزم و يظهر عند فساد الزمان وانتشار الكفر وظلم الناس يملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت جورا و ظلما يحكم العالم كله و تخضع له الرقاب بالاقناع تاره والحرب اخرى و سيملك الارض سبع سنين و ينزل عيسى عليه السلام من بعده فيقتل الدجال او ينزل معه فيساعده على قتله بباب «اللّد» بأرض فلسطين.

هو آخر الخلفاء الراشدين، الاثنى عشر الذين اخبر عنهم النبى، صلوات الله و سلامه عليه فى الصحاح، واحاديث المهدى وارده عن الكثير من الصحابه، يرفعونها الى

رسول الله صلی الله علیه و سلم و منهم عثمان بن عفان، و علی بن ابی طالب، وطلحه بن عبیدالله، و عبدالرحمن بن عوف، و عبدالله بن عباس، و عماربن یاسر، و عبدالله بن مسعود، و ابوسعید الخدری، و ثوبان، و قره بن أیاس المزنی، و عبدالله بن الحارث بن جز، و ابوهریره، و حذیفه بن الیمانی، و جابربن عبدالله، و ابو امامه، و جابر بن ماجدالصدفی، وعبدالله بن عمر، وانس بن مالک، و عمران بن حصینی، و ام سلمه.

هولاء عشرون منهم، ممن وقفت علیهم، و غیرهم، کثیر، و هناک آثار عن الصحابه، مصرحه بالمهدی، من اقوالهم، کثیره جدا، لهاحکم الرفع، اذ لا مجال للاجتهاد فیها.

احادیث هولاء الصحابه التی رفعوها الی النبی صلی الله علیه و سلم، والتی قالوها من اقوالهم اعتمادا علی ما قاله رسول الله صلوات الله و سلامه علیه رواها الکثیر من دواوین الاسلام، و امهات الحدیث النبوی، من السنن، والمعاجم، والمسانید منها :

سنن ابی داود، والترمذی، و ابن ماجه، وابن عمرو الدانی،

و مسانید احمد، و ابن یعلی، والبزاز، و صحیح الحاکم، ومعاجم الطبرانی الکبیر والوسیط والرویانی والدار قطنی فی الافراد، و ابو نعیم فی اخبار المهدی، والخطیب فی تاریخ بغداد، و ابن عساکر فی تاریخ دمشق و غیرها.

وقد خص المهدی بالتألیف ابونعیم فی «اخبار المهدی» و ابن حجر الهیثمی فی «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» والشوکانی فی «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر، والدجال، والمسیح» و ادریس العراقی المغربی فی تألیفه «المهدی» و ابوالعباس بن عبدالمؤمن المغربی فی کتاب «الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون»

و آخر من قرات له عن المهدی، بحثا مستفیضا، مدیر الجامعه الاسلامیه، فی المدینه المنوّره فی مجله الجامعه، اکثر من عدد.

و قد نص علی ان احادیث المهدی، انها متواتره، جمع من الاعلام قدیما و حدیثا منهم السخاوی فی «فتح المغیث» و محمد بن احمد السفاوینی فی شرح العقیده وابوالحسین الابری فی «مناقب الشافعی» و ابن تیمیه فی فتاواه،

والسیوطی فی الحاوی، و ادریس العراقی المغربی فی تألیف له عن المهدی، والشوکانی فی «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر، والدجال، والمسیح» و محمد بن جعفر الکنانی فی «نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر»، وابوالعباس بن عبدالمؤمن المغربی فی «الوهم المکنون من کلام ابن خلدون» رحمهم الله و حاول ابن خلدون فی مقدمته ان یطعن فی احادیث المهدی، محتجا بحدیث موضوع لا ـ اصل له عند ابن ماجه لامهدی الا ـ عیسی، ولکن رد علیه الائمّه والعلماء، وخصه بالرد شیخناابن عبدالمؤمن، بکتاب مطبوع متناول فی المشرق والغمرب، منذ اکثر من ثلاثین سنه.

و نص الحفاظ والمحدثون علی ان احادیث المهدی فیها الصحیح والحسن ومجموعها متواتر مقطوع بتواتره و صحته.

وان الاعتقاد بخروج المهدی، واجب و انه من عقائد اهل السنّه والجماعه ولا ینکره الا جاهل بالسنه، ومبتدع فی العقیده.

واللّه یهدی الی الحق ویهدی السبیل.

مدیر اداره المجمع الفقهی الاسلامی

محمد المنتصر الکنانی

مفهوم انتظار

اشاره

«انتظار» یا «آینده نگری» به حالت کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می کند.

فی المثل بیماری که انتظار بهبودی می کشد یا پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراق فرزند ناراحتند و برای وضع بهتری می کوشند.

همچنین تاجری که از بازار آشفته ناراحت است و در انتظار فرونشستن بحران اقتصادی می باشد، این دو حالت را دارد: «بیگانگی با وضع موجود» و «تلاش برای وضع بهتر».

بنابراین مسئله انتظار حکومت حق و عدالت «مهدی» و

قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است عنصر «نفی» و عنصر «اثبات»؛ عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود، و عنصر اثبات خواهان وضع بهتری بودن است.

و اگر این دو جنبه در روح انسان به صورت ریشه دار حلول کند سرچشمه دو رشته اعمال دامنه دار خواهد شد (زیرا اعتقادات سطحی ممکن است اثر آن از گفتار و سخن تجاوز نکند اما اعتقادات عمیق همیشه آثار عملی گسترده ای به دنبال خواهد داشت).

این دو رشته اعمال عبارتند از ترک هرگونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد، و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو، و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگیهای جسمی و روحی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی، از سوی دیگر.

و خوب که دقت کنیم می بینیم هر دو قسمت آن کاملاً سازنده و عامل تحرک و آگاهی و بیداری است.

با توجه به مفهوم اصلی «انتظار»، معنی روایات متعددی که در بالا در باره پاداش و نتیجه کار منتظران نقل کردیم به

خوبی درک می شود.اکنون می فهمیم چرا منتظران واقعی گاهی همانند کسانی شمرده شده اند که در خیمه حضرت مهدی علیه السلام یا زیر پرچم او است، یا کسی که در راه خدا شمشیر می زند یا به خون خود آغشته شده یا شهید گشته است.

آیا اینها مراحل مختلف و درجات مجاهده در راه حق و عدالت نیست که متناسب با مقدار آمادگی و درجه انتظار افراد است؟

یعنی همانطور که میزان فداکاری مجاهدان راه خدا و نقش آنها با هم متفاوت است، انتظار و خودسازی و آمادگی نیز درجات کاملاً مختلفی دارد که هر کدام از اینها با یکی از آنها از نظر «مقدمات» و «نتیجه» شباهت دارد، هر دو جهادند و هر دو آمادگی می خواهند و خودسازی، کسی که در خیمه رهبر چنان حکومتی قرار گرفته یعنی در مرکز ستاد فرماندهی یک حکومت جهانی است نمی تواند یک فرد غافل و بی خبر و بی تفاوت بوده باشد، آنجا جای هر کس نیست؛ جای افرادی است که به حق شایستگی چنان

موقعیت پراهمیتی را دارند.

همچنین کسی که سلاح در دست دارد در برابر رهبر این انقلاب با مخالفان حکومت صلح و عدالتش می جنگد، آمادگی فراوان روحی و فکری و رزمی باید داشته باشد.

انتظار یعنی آماده باش کامل

-- من اگر ظالم و ستمگرم چگونه ممکن است در انتظار کسی باشم که طعمه شمشیرش خون ستمگران است!

-- من اگر آلوده و ناپاکم چگونه می توانم، منتظر انقلابی باشم که شعله اولش دامان آلودگان را می گیرد!

-- ارتشی که در انتظار جهاد بزرگی است آمادگی رزمی نفرات خود را بالا ـ می برد و روح انقلابی در آنها می دمد، و هرگونه نقطه ضعفی را اصلاح می کند.

چگونگی «انتظار» همواره متناسب با هدفی است که در انتظار آن هستیم.

انتظار آمدن یک مسافر عادی از سفر

انتظار بازگشت یک دوست بسیار عزیز

انتظار فرا رسیدن فصل چیدن میوه از درخت و درو کردن محصول

انتظار فرارسیدن فصل تحصیلی مدارس...

هر یک از این انتظارها آمیخته با یک نوع آمادگی است، در یکی بایـد خانه را آماده کرد و وسایل پذیرایی فراهم ساخت؛ در دیگری ابزار لازم و داس و کمباین و...؛ در دیگری کتاب و دفتر و قلم و لباس مدرسه و مانند آن.

اکنون فکر کنیـد آنهـا که انتظـار قیـام یک مصـلح بزرگ جهانی را می کشـند در واقع انتظار انقلاب و دگرگونی و تحولی را دارند که وسیع ترین و اساسی ترین انقلابهای انسانی در طول تاریخ بشر است.

انقلابی که برخلاف انقلابهای اصلاحی پیشین، جنبه منطقه ای نداشته و نه اختصاص به یک جنبه از جنبه های مختلف زندگی دارد بلکه علاوه بر اینکه عمومی و همگانی است تمام شـئون و جوانب زندگی انسانها را شامل می شود؛ انقلابی است سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اخلاقی.

فعلاً کار به این موضوع نداریم که دلیل ما بر تحقق یافتن

چنین انقلابی چیست؟

این را موکول به بحث دیگری می کنیم، زیرا هدف ما در این بحث تنها بررسی نتایج و آثار چنین عقیده و چنان انتظاری است که آیا به راستی آنچنان که بعضی از ماتریالیستها پنداشته اند جنبه تخدیری دارد یا سازنده و حرکت آفرین و اصلاحگر است.

سابقاً گفتیم که «انتظار» همیشه از دو عنصر «نفی» و «اثبات» تشکیل می شود؛ ناراحتی از وضع موجود و عشق و علاقه به وضع بهتر.

و در اینجا اضافه می کنیم که در هر انقلاب و تحول بنیادی نیز دو جنبه وجود دارد: جنبه نفی و جنبه اثبات.

جنبه نخستین انقلاب که همان جنبه نفی است، از میان بردن عوامل اختلال و فساد و انحطاط و شستشو دادن لوح جامعه از نقشهای مخالف است.

پس از انجام یافتن این مرحله، نوبت به جنبه اثبات یعنی جانشین ساختن عوامل اصلاح و سازندگی می رسد.

ترکیب دو مفهوم «انتظار» و «انقلاب جهانی» آنچه را قبلاً

گفتیم کاملاً روشن می کنـد یعنی کسانی که در انتظار چنان انقلابی به سـر می برند اگر در دعوی خود صادق باشـند (نه جزء منتظران دروغین خیالی) به طور مسلم آثاری در آنها آشکار خواهد شد.

آیا این انتظار سازنده است

در بحث گذشته دیدیم که چگونه انتظار ظهور یک «اصلاح عمومی در وضع جهان بشریت» از اعماق روح آدمی سرچشمه می گیرد.

و نیز دانستیم که این عقیده در تعلیمات اسلامی جنبه «وارداتی» ندارد بلکه از قطعی ترین مباحثی است که از شخص پایه گذار اسلام گرفته شده و عموم فرق اسلامی در این زمینه متفقند و احادیث در این زمینه «متواتر» - تنها قضاوت کنندگان ناآگاه یا مستشرقینی که از دور می نشینند و با حدس و گمان در باره همه چیز اظهار نظر می کنند چنین می پندارند.

اکنون به سراغ پی آمدهای این انتظار در وضع کنونی جوامع اسلامی برویم و ببینیم :

-- آیا ایمان به چنین ظهوری انسان را آن سان در افکار رویایی فرو می برد که از وضع موجود خود غافل می گردد، و تسلیم هرگونه شرایطی می کند؟

- یا این که به راستی این عقیده یک نوع دعوت به قیام و سازندگی فرد و اجتماع است؟

-- آیا ایجاد تحرک می کند یا رکود؟

-- آیا مسئولیت آفرین است یا مایه فرار از زیر بار مسئولیتها؟

-- و بالاخره آیا مخدر است یا بیدارکننده؟

قبل از توضیح و بررسی این سؤالات توجه به یک نکته کاملاً ضروری است و آن این که سازنده ترین دستورات و عالی ترین مفاهیم هرگاه به دست افراد ناوارد، یا نالایق، یا سوءاستفاده چی بیفتد ممکن است آن را چنان مسخ کنند که درست نتیجه ای برخلاف هدف اصلی بدهد و در مسیر بر ضد آن حرکت کند، و این نمونه های بسیار دارد و «مسئله انتظار» به طوری که خواهیم دید در ردیف همین مسائل است.

به هر حال، برای رهایی از هرگونه اشتباه در محاسبه، در این گونه مباحث، باید به اصطلاح آب را از سرچشمه گرفت تا

آلودگیهای احتمالی نهرها و کانالهای میان راه در آن اثر نگذارد.

به همین دلیل، ما در بحث انتظار مستقیماً به سراغ متون اصلی اسلامی رفته و لحن گوناگون روایاتی را که روی مسأله «انتظار» تأکید می کند مورد بررسی قرار می دهیم تا از هدف اصلی آگاه شویم.

اکنون با دقت به این چند روایت توجه کنید :

۱- کسی از امام صادق علیه السلام پرسید چه می گویید در باره کسی که دارای ولایت امامان است، و انتظار ظهور حکومت حق را می کشد و در این حال از دنیا می رود؟

امام علیه السلام در پاسخ فرمودند:

هو بمنزله من کان مع القائم فی فسطاطه - ثم سکت هنیئه - ثم قال هو کمن کان مع رسول الله (۱) ؛

او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمه او (ستاد ارتش او) بوده باشد - سپس کمی سکوت کرد - و فرمود مانند کسی است که با پیامبر اسلام (در مبارزاتش) همراه بوده است.

۱- . محاسن برقی، طبق نقل بحار، ج ۱۳، صفحه ۱۳۶.

این مضمون در روایات زیادی با تعبیرات مختلفی نقل شده است.

۲- در بعضی «بمنزله الضارب بسیفه فی سبیل الله؛ همانند شمشیرزنی در راه خدا».

۳- و در بعضی دیگر «کمن قارع مع رسول الله بسیفه؛(۱) همانند کسی است که در خدمت پیامبر با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد».

۴- و در بعضی دیگر «بمنزله من کان قاعدا تحت لواء القائم؛ همانند کسی است که زیر پرچم قائم بوده باشد».

۵- و در بعضی دیگر «بمنزله المجاهد بین یدی رسول الله؛ همانند کسی است که پیش روی پیامبر صلی الله علیه و آله جهاد کند».

۶- و بعضی دیگر «بمنزله من استشهد مع رسول الله صلی الله علیه و آله ؛ همانند کسی است که با پیامبر شهید شود».

این تشبیهات هفتگانه که در مورد انتظار ظهور حضرت مهدی در این ۶ روایت وارد شده بسیار پر معنی و

۱- . قرع بسیفه، یعنی با شمشیرش بر فرق دشمن کوبید.

روشنگر این واقعیت است که یک نوع رابطه و تشابه در میان مسئله «انتظار» و «جهاد» و مبارزه با دشمن، در آخرین شکل خود، وجود دارد.(دقت کنید)

۷- در روایات متعددی نیز انتظار چنین حکومتی را داشتن، به عنوان بالاترین عبادت معرفی شده است.

این مضمون در بعضی از احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و در بعضی از حضرت علی علیه السلام نقل شده است از جمله در حدیثی می خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«افضل اعمال امتی انتظار الفرج من اللّه عزوجلّ؛ (۱)

بالاترین اعمال امت من انتظار فرج از ناحیه خدا کشیدن است».

و در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانیم : «افضل العباده انتظار الفرج (۲) ».

این حدیث اعم از این که انتظار فرج را به معنی وسیع کلمه بدانیم، ویا به مفهوم خاص یعنی انتظار ظهور مصلح

۱- . کافی، بنا به نقل بحار، ج ۱۳، صفحه ۱۳۷.

۲- . کافی، به نقل بحار، ج ۱۳، صفحه ۱۳۶.

جهانی باشد، اهمیت انتظار را در مورد بحث ما روشن می سازد.

این تعبیرات همگی حاکی از این است که انتظار چنان انقلابی همیشه توأم با یک جهاد وسیع و دامنه دار است (این موضوع را سربسته به خاطر بسپارید تا به شرح آن برسیم).

آثار این انتظار

۱- خودسازی فردی

چنین تحولی (انقلاب جهانی) قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان به دوش بکشند، و این در درجه اول محتاج به بالا-بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است؛ تنگ نظری ها، کوته بینیها، کج فکریها، حسادتها، اختلافات کودکانه ونابخردانه، و به طور کلی هر گونه نفاق و پراکندگی با موقعیت منتظران واقعی سازگار نیست.

نکته مهم اینجاست که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی هرگز نمی تواند نقش تماشاچی را داشته باشد، باید

حتماً در صدد اصلاح خویش باشد.

ایمـان به نتایـج و عـاقبت این تحول هرگز به او اجازه نمی دهـد که در صف مخالفان باشـد و قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج به داشتن اعمالی پاک و روحی پاکتر وبرخورداری از شهامت و آگاهی کافی است.

آیا این انتظار برای تصفیه روح و فکر و شستشوی جسم و جان من از لوث آلودگیها کافی نیست!

ارتشـی که در انتظـار جهاد آزادی بخشـی به سـر می برد، حتماً به حالت آماده باش کامل درمی آیـد؛ سـلاحی که برای چنین میـدان نبردی شایسـته است به دست می آورد؛ سـلاحهای موجود را اصـلاح می کنـد؛ سنگرهای لازم را می سـازد؛ آمادگی رزمی نفرات خود را بالا می برد؛ روحیه افراد خود را تقویت می کنـد و شـعله عشق و شوق برای چنان مبارزه ای را در دل فرد فرد سـربازانش زنـده نگه می دارد؛ ارتشـی که دارای چنین آمادگی نیست هرگز در انتظار به سـر نمی برد و اگر بگوید دروغ می گوید؛ انتظار یک مصلح جهانی به معنی آماده باش کامل فکری و اخلاقی، مادی و

معنوی، برای اصـلاح همه جهان است.فکر کنید چنین آماده باشـی چقدر سازنده است.اصلاح تمام روی زمین و پایان دادن به همه مظالم و نابسامانیها شوخی نیست، کار ساده ای نمی توانـد باشـد؛ آماده باش برای چنین هـدف بزرگی باید متناسب با آن باشد، یعنی باید به وسعت و عمق آن باشد.

برای تحقق بخشـیدن به چنین انقلابی مردانی بسـیار بزرگ و مصـمم و بسـیار نیرومنـد و شـکست ناپـذیر، فوق العـاده، پاک و بلنـدنظر، کاملاً آمـاده و دارای بینش عمیق لازم است، و خودسازی برای چنین هـدفی مسـتلزم به کار بسـتن عمیق ترین برنامه هـای اخلاقی و فکری و اجتمـاعی است.این است معنی انتظـار واقعی! آیـا هیچکس می توانـد بگویـد چنین انتظـاری سازنـده نیست!

۲- خودیاریهای اجتماعی

منتظران راستین در عین حال وظیفه دارنـد تنها به خویش نپردازنـد بلکه مراقب حال یکدیگر باشـند و علاوه بر اصـلاح خویش در اصلاح دیگران نیز بکوشند.

زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می کشند یک برنامه فردی نیست؛ برنامه ای است که تمام عناصر تحول باید در آن شرکت جوید؛ باید کار به صورت دستجمعی و همگانی باشد؛ کوششها و تلاشها باید هماهنگ گردد و عمق و وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند.

در یک میدان وسیع مبارزه دستجمعی، هیچ فردی نمی تواند از حال دیگران غافل بماند بلکه موظف است هر نقطه ضعفی را در هرکجا ببیند اصلاح کند و هر موضع آسیب پذیری را ترمیم نماید و هر قسمت ضعیف و ناتوانی را تقویت کند؛ زیرا بدون شرکت فعالانه و هماهنگ تمام مبارزین، پیاده کردن چنان برنامه ای امکان پذیر نیست.

بنابراین منتظران واقعی علاوه بر اینکه به اصلاح خویش می کوشند وظیفه خود می دانند که دیگران را نیز اصلاح کنند.

این است اثر سازنده دیگری برای انتظار قیام یک مصلح جهانی و این است فلسفه آنهمه افتخارات و فضیلتها که برای منتظران راستین شمرده شده است.

پاسخ به یک سفسطه زشت

اشاره

آنچه در دنیای کنونی کم داریم آگاهی از عواقب دردناك و خطرناك نظام فعلی جهان و عوامل و علل آن است وگرنه ظلم و فساد به حد کافی وجود دارد.

معمولاً افراد سوء استفاده چی برای پنهان داشتن چهره واقعی خود، سعی می کنند در گوشه کنار قوانین و مقررات، جمله ای یا تبصره ای پیدا کنند که بتوانند آن را به نحوی طبق مقاصد خود تفسیر کنند، در مسئله انتظار مصلح جهانی نیز این موضوع به خوبی به چشم می خورد، زیرا بعضی می گویند :

اگر شرط ظهور آن مصلح بزرگ، پر شدن زمین از ظلم و فساد است (آنچنان که در روایات اسلامی وارد شده) پس چرا ما در این عصر و زمان مبارزه با فساد کنیم و با

ظلم و ستم بجنگیم یا سراغ امر به معروف و نهی از منکر برویم، و با این عمل آن انقلاب بزرگ را به تأخیر بیندازیم؟

اگر بخواهیم درست فکر کنیم نه تنها نباید گام در جهت اصلاح برداشت بلکه برای تسریع آن ظهور بزرگ باید کمک به فساد، فسادی هر چه وسیعتر و دامنه دارتر کرد، تا شرط ظهور آن مصلح بزرگ، زودتر، تحقق یابد.

این سخن را می توان به شکل دیگری تشریح کرد، و آن اینکه :

انتظار ظهور آن مصلح بزرگ عاملی برای تخدیر توده ها در راه مبارزه با ظلم و فساد است، مردم را تشویق به سکوت و یا همکاری با ظالمان و ستمگران می کند، و این موهبت بزرگی برای استعمار و استعمارگران خواهد بود که «استعمار شدگان» با دست خود زنجیر را به گردن خود بگذارند.

گمان نمی کنیم آنها که به چنین منطقی دست می زنند واقعاً به آن عقیده داشته باشند؛ بعید نیست این ماسکی باشد که برای

پوشاندن چهره اصلی کارهای خود، به صورت می زنند.

ولی در هر صورت ایرادی است که باید پاسخ آن روشن گردد، خواه ایراد کنندگانش مؤمن به آن باشند یا غیر مؤمن.

برای روشن شدن نقطه انحرافی این ایراد باید به سه موضوع عمیقاً توجه کرد :

۱- صفوف را مشخص کنیم

باید توجه داشت که در انقلاب وسیع جهانی آن مصلح بزرگ، تماشاچی، و بی طرف مفهوم ندارد (و در واقع در هیچیک از انقلابهای وسیع و گسترده بی طرف مفهوم ندارد، خواه در مقیاس جهانی باشد و یا در مقیاسهای منطقه ای؛ زیرا اگر به سود اجتماع است تمام افراد متعهد وظیفه دارند در آن شرکت کنند و اگر زیانبخش است، همه وظیفه دارند با آن مبارزه کنند و اما فرض اینکه یک انقلاب گسترده نه زیانی به حال اجتماع داشته باشد و نه سود، فرض محال است).

بنابراین، هر یک از ما از همین حالا باید موقعیت خودمان را در انقلاب آن مصلح بزرگ روشن سازیم و صف

خود را مشخص کنیم.

من اگر امروز کمک به ظلم و فساد کنم، چگونه ممکن است به هنگام برپا شـدن آن انقلاب، در صف مصـلحان و رزمندگان بر ضـدظلم بـاشم! با این عمل بی شک در صف مخالف قرار خواهم گرفت! مگر غیر از این است که ظهور آن مصـلح جهانی برای ریشه کن سـاختن و نـابود کردن ظـالم است، بنابراین من با کمک به ظلم و فساد بایـد آماده پـذیرش شمشـیر آن مصـلح بزرگ بر گردن خویش بـاشم، نه قرار گرفتن در صف یـاران و سـربازان او! به تعـبیر دیگر، معقول نیست مـا کمـک به تسـریع انقلابی کنیم که خود جزء تصـفیه شدگان آن خواهیم بود، این درست به آن می ماند که آتشی برافروزیم که شعله هایش اول دامان خود ما را خواهد گرفت.

اگر می خواهیم موقعیت خود را در این مبارزه مشـخص کنیم، از هم اکنون باید حساب خود را از ظلم و ظالم و فساد و مفسـد جدا سازیم.

خلاصه اینکه، به فرض که ما به کمک کردن به ظلم و

ستم، انقلاب را پیش بیندازیم، نابودی خودمان را نیز - به عنوان یک ستمگر - پیش انداخته ایم!

۲- هدف آمادگی است، فساد هدف نیست

برخلاف آنچه بعضی تصور می کنند، برای تسریع ظهور مصلح جهانی، آنچه لازم است، آمادگی و تشنگی محیط است، نه وجود ظلم وفساد.

البته نمی توان انکار کرد که افزایش ظلم و فساد یکی از عوامل آمادگی است، چه اینکه وقتی مردم جهان ثمره تلخ و شوم تبعیض ها و بی عدالتیها را بچشند ناراحت می شوند و در جستجوی یک طریق اصلاح و یافتن یک مصلح جهانی گام برمی دارند، و به گفته آن شاعر :

همه از ظلم و ستم خسته شده رهروی راهبری می جویند

و به تعبیر دیگر :

مردم جهان تدریجاً این حقیقت را درمی یابند که وجود حکومتها و کشورهای متعدد سرچشمه تضادها و رقابتهای

ناسالم و جنگها و خونریزیهاست و همین موضوع آنها را به فکر تشکیل «حکومت واحد جهانی» با ابعاد وسیعش می افکند. تدریجاً متوجه می شوند که مسابقه تسلیحاتی مخصوصاً در میان قدرتهای بزرگ، بیشتر سرمایه های انسانی و اقتصادی جهان را می بلعد، و نتیجه آن ویرانی باقیمانده سرمایه ها است؛ و این در درجه اول از تجزیه قدرتهای جهان سرچشمه می گیرد، و از خلاصه شدن همه گرایشها در گرایشهای مادی ؛ اگر حکومت واحدی جای آن را بگیرد، تنها نیاز به نیروی محدودی برای برقراری نظم در جهان است و نه بیشتر، و باقیمانده آن سرمایه ها همه صرف عمران و آبادی می گردد نه تخریب.

کوتاه سخن اینکه، آنچه در اینجا مهم است مسئله آمادگی روحی و جسمی برای پذیرش چنان نظام واحدی است و آگاهی از عواقب خطرناک وضع نابسامان کنونی، و اگر در روایات اسلامی می خوانیم قبل از چنین انقلابی جهان را ظلم و فساد خواهد گرفت، آنهم در واقع مقدمه ای است برای پیدایش آگاهی و آمادگی، نه اینکه ظلم و فساد هدف

نهایی باشد.

۳- موضوع دیگر اینکه مدتها است که جهان از ظلم و فساد پر شده است، چه ظلم و فسادی بالاتر از اینهمه جنگها و خونریزیها و غارتگریها و استعمارها در اشکال مختلف، و جنایات و تبعیضهای ناروا، و تقلبها و خیانتها و مفاسد اخلاقی دیگر، بنابراین لزومی ندارد چیزی بر آن مفاسد بیفزائیم.

آنچه در مورد آن کمبود شدید احساس می شود آگاهی از «عواقب» این وضع از یک سو و «علل و عوامل» آن از سوی دیگر است.

منتظران واقعی باید تمام تلاش و کوشش خود را در این دو قسمت بکار برند:

نتیجه وضع کنونی را روشن سازند و علل اصلی آن را نیز مشخص کنند تا آمادگی که شرط ظهور است انجام یابد.

منتظران راستین در فساد محیط حل نمی شوند

در این سلسله بحثها تا کنون دو قسمت از فلسفه های انتظار ظهور مصلح بزرگ جهانی یعنی :

تأثیر انتظار در خودسازیهای فردی،

و تأثیر انتظار درخودیاریهای اجتماعی،

مورد بررسی قرار گرفته است.

ولی اثر سازنـده این انتظار منحصـر به اینها نیست، اثر مهم دیگری نیز دارد که ذیلاً از نظر خواننـدگان محترم می گـذرد و آن حل نشدن در مفاسد محیط، و عدم تسلیم در برابر آلودگیهاست.

توضیح اینکه، هنگامی که فساد فراگیر می شود، و

اکثریت و یا جمع کثیری را به آلودگی می کشانـد، گاهی افراد پاک در یک بن بست سـخت روانی قرار می گیرند، بن بستی که از یأس از اصلاحات سرچشمه می گیرد.

گـاهی آنها فکر می کننـد، کار از کار گذشـته و دیگر امیـدی برای اصـلاح نیست، و تلاش و کوشـش برای پاک نگهداشـتن خویش بیهوده است، این نومیـدی و یأس ممکن است آنها را تدریجاً به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند، و نتوانند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کنند، و همرنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی بدانند.

تنهـا چیزی که می توانـد در آنهـا روح امیـد بدمـد و به مقاومت و خویشـتن داری دعوت کنـد و نگـذارد در محیط فاسـد حل شوند، امید به اصلاح نهایی است، تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی خویش و حتی برای اصلاح دگران برنخواهند داشت.

و اگر می بینیم در دستورات اسلامی یأس از آمرزش، یکی از بزرگترین گناهان شمرده شده است و ممکن است

افراد نـاوارد، تعجب کننـد که چرا یـأس از رحمت خـدا این قـدر مهم تلقی شـده، مهمتر از بسـیاری از گناهـان، فلسـفه اش در حقیقت همین است که گناهکار مأیوس از رحمت، هیـچ دلیلی نمی بینـد که به فکر جبران بیفتـد و یا لااقل دست از ادامه گناه بردارد، و منطق او این است :

آب از سـر من گذشـته است، چه یـک قامت چه صـد قامت؛ من که رسوای جهانم غم دنیا هیـچ است، بالاتر از سـیاهی، رنگ دگر نباشد؛ آخرش جهنم است، من که هم اکنون آنرا برای خود خریده ام، دیگر از چه چیز می ترسم!

اما هنگامی که روزنه امیـد برای او گشوده شود، امید به عفو پروردگار و امید به تغییر وضع موجود، نقطه عطفی در زندگی او پیدا می شود و چه بسیار او را به توقف کردن در مسیر گناه و بازگشت به سوی پاکی و اصلاح دعوت می نماید.

به همین دلیل امید را می توان همواره به عنوان یک عامل مؤثر تربیتی در مورد افراد فاسد شناخت؛ همچنین افراد صالح که در محیطهای فاسد گرفتارند، بدون امید نمی توانند

خویشتن را حفظ کنند.

نتیجه اینکه، انتظار ظهور مصلحی که هر قدر دنیا فاسدتر می شود، امید ظهورش بیشتر می گردد اثر فزاینده روانی در معتقدان دارد، و آنها را در برابر امواج نیرومند فساد بیمه می کند؛ آنها نه تنها با گسترش دامنه فساد محیط مأیوس تر نمی شوند بلکه به مقتضای «وعده وصل چون شود نزدیک - آتش عشق تیزتر گردد» وصول به هدف را در برابر خویش می بینند و کوشش شان برای مبارزه با فساد و یا حفظ خویشتن با شوق و عشق زیادتری تعقیب می گردد.

از مجموع بحثهای گذشته چنین نتیجه می گیریم که اثر تخدیری انتظار تنها در صورتی است که مفهوم آن مسخ و تحریف شود - همانگونه که جمعی از مخالفان، تحریفش کرده اند و جمعی از موافقان مسخش - اما اگر به مفهوم واقعی در جامعه و فرد پیاده شود، یک عامل مهم تربیت و خود سازی و تحرک و امید خواهد بود.

از جمله مدارک روشنی که این موضوع را تأیید می کند، این است که در ذیل آیه «وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا

الصالحات لیستخلفهم فی الارض... ؛ خداوند به آنها که ایمان دارند و عمل صالح انجام می دهند، وعده داده است حکومت روی زمین را در اختیارشان بگذارد» از پیشوایان بزرگ اسلام نقل شده است که منظور از این آیه «هوالقائم واصحابه؛ مهدی و یاران او هستند». (۱)

و در حدیث دیگری می خوانیم : «نزلت فی المهدی؛ این آیه در باره مهدی علیه السلام نازل شده است». در حالی که در این آیه مهدی و یارانش به عنوان «الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات؛ آنها که ایمان دارند و عمل صالح» معرفی شده اند؛ بنابراین، تحقق این انقلاب جهانی بدون یک ایمان مستحکم، که هرگونه ضعف و زبونی و ناتوانی را دور سازد و بدون اعمال صالحی که راه را برای اصلاح جهان بگشاید، امکان پذیر نیست و آنها که در انتظار چنین برنامه ای هستند، هم باید سطح آگاهی و ایمان خود را بالا ببرند و هم در اصلاح خویش و اعمال خود بکوشند.

۱- . بحارالانوار، جلد ۱۳، چاپ قدیم، صفحه ۱۳.

تنها چنین کسانی که می توانند نوید زندگی در حکومت او به خود دهند، نه آنها که با ظلم و ستم همکاری دارند.

و نه آنها که از ایمان و عمل صالح بیگانه اند.

و نه افراد ترسو و زبونی که بر اثر ضعف ایمان از همه چیز حتی از سایه خود می ترسند؛

و نه افراد سست و بی حال و بیکاره ای که دست روی دست گذارده و در برابر مفاسد محیط زندگی و جامعه شان سکوت اختیار کرده و کمترین تلاش و کوششی در راه مبارزه با فساد ندارند... آری انتظار راستین این است!

پایان

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹